اطلاعات ۱۳۰۵
*سه شنبه ۷ مرداد ۱۴۰۴ *۴ صفر ۱۴۴۷
*۲۹ جولای ۲۰۲۵ *سال صدم *شماره ۲۹۰۰۷
ettelaat.com ettelaatonline

فلسفه زندگی / بخش چهارم

دکتر غلامحسین دینانی
فیلسوف

مقاله فلسفی

انسان به حکم اینکه دارای وهم و خیال و حس مشترک و حواس پنجگانه است، ارتباط او با آنچه در بیرون او قرار می گیرد یکسان نیست. به عبارت دیگر، انسان از دریچه های مختلف و متعدد می تواند به مشاهدهٔ جهانی که در آن زندگی می کند بپردازد، هر یک از دریچه های ادراکی انسان طریقی است که او در آن گام برمی دارد.

آگاهی اختیار را به وجود می‌آورد و به آن معنی می‌بخشد. اختیار اگر مسبوق به آگاهی نباشد، کور است و البته معلوم است که اختیار کور و نابینا، راه به جایی نمی‌برد و در گمراهی ابدی فرو می‌ماند. با توجه به آنچه در اینجا ذکر شد، به آسانی می‌توان پذیرفت که عظمت و شکوه اختیار از عظمت و شکوه آگاهی ناشی می‌شود و آنجا که آگاهی نباشد، اختیار وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، قابل اعتماد نیست و ممکن است بسیار خطرناک و زیان بخش بوده باشد.

فاجعه هایی که در طول تاریخ زندگی بشر به وقوع پیوسته و مفسده هایی که هم‌اکنون در جامعه انسانی دیده می‌شود، از آثار گونه هایی از اختیار است که از روی آگاهی محکم و متین تحقق نپذیرفته است. تنها چیزی که خیر محض و نیکویی صرف بوده و هیچ‌گونه مفسده و ناهنجاری در آن دیده نمی‌شود، آگاهی درست و معقول را باید نام برد و البته هرگونه مفسده و نا به هنجاری در جوامع بشری نیز از آثار ناآگاهی شناخته می‌شود. آگاهی گوهری است که از مخزن تعقل متین و استوار به دست می‌آید و انسان تنها موجودی است در این جهان، که عاقل آفریده شده است و البته عقل نیز جز تعقل کردن چیز دیگری نیست. نکته‌ای که نباید نادیده گرفته شود، این است که انسان در عین اینکه عاقل آفریده شده است، از جنبه های غیر عقلی نیز برکنار نیست. به عبارت دیگر، می توان گفت: انسان معجونی است که عناصر گوناگون در به وجود آمدن او نقش داشته‌اند.

در این مسئله نیز نمی‌توان تردید داشت که هر یک از عناصر، در معجونی که از آنها به ظهور می‌رسد، نقش ایفا می‌کند. به همین جهت است که انسان در زندگی خود می‌تواند نقش های گوناگون داشته باشد. البته اگر عقل به کمال خود در انسان فعالیت کند، عناصر دیگر را در خدمت می‌گیرد و آثار منفی هر یک از عناصر دیگر را محو و نابود می‌سازد. توانایی عقل از هر موجود دیگری در عالم بیشتر است و هیچ موجودی در این جهان نمی‌تواند عقل را محکوم و مغلوب نماید. هیچ حکمی در این جهان از حکم عقل بالاتر نیست.

و هیچ میزانی نیز از میزان عقل راست‌تر آفریده نشده است. عقل میزانی است که میزان بودن میزان های دیگر را معین می‌کند و به سنجیدن درست آنها اعتبار می‌بخشد؛ بنابراین عقل میزان همه میزان های جهان است و اگر هر چیزی با میزان مخصوص به خود سنجیده می‌شود، همه میزان های جهان با میزان عقل سنجیده می‌شوند. اگر عقل که میزان همهٔ میزان ها شناخته می‌شود، وجود نداشته باشد، هیچ میزان دیگری نیز میزان نخواهد بود. در اینجا ممکن است گفته شود: هرگونه زیبایی و جمال در این جهان به واسطه ذوق درک و دریافت می‌شود، در حالی که آنچه ذوق خوانده می‌شود، همان چیزی نیست که تحت عنوان «عقل» مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

در پاسخ به این سخن باید گفت: ذوق همان چیزی نیست که تحت عنوان عقل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، ولی بدون حساب و کتاب نیز نبوده و به هیچ‌وجه با عقل و خرد بیگانه شناخته نمی‌شود. ذوق چیزی نیست که بدون میزان بوده باشد و البته میزان نیز همانگونه که یادآور شدیم، از شئون عقل شناخته می‌شود؛ بنابراین ذوق نیز از زیر سیطره عقل بیرون نیست و مانند هر نوع ادراک دیگری اعتبار خود را از عقل می‌گیرد. درست است که انسان از حواس گوناگون برخوردار است و با زیبایی های محسوس سر و کار دارد، ولی ادراک حسی به تنهایی نمی‌تواند زیبایی را بدان گونه که در واقع تحقق می‌پذیرد، دریابد.

اکنون اگر کسی ادعا کند که هنر و زیبایی شناسی بیش از هر علم دیگری به فلسفه نزدیک است، از روی گزاف سخن نگفته است. انسان به حکم اینکه دارای وهم و خیال و حس مشترک و حواس پنجگانه است، ارتباط او با آنچه در بیرون او قرار می‌گیرد یکسان نیست. به عبارت دیگر می‌توان گفت: انسان از دریچه های مختلف و متعدد می‌تواند به مشاهدهٔ جهانی که در آن زندگی می‌کند بپردازد، هر یک از دریچه های ادراکی انسان طریقی است که او در آن گام برمی‌دارد. آنچه در اینجا به عنوان یک پرسش مطرح می‌گردد، این است که اگر هر یک از انواع ادراکی انسان طریقی است که او می‌تواند در آن گام بردارد، کدام یک از آنها باید انتخاب شود و ملاک انتخاب یک طریق از میان چندین طریق چیست و چگونه است؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: درست است که طرق ارتباط انسان با جهان بیرون، مختلف و متعدد است، ولی همه این راه‌ها همانند نهرهایی هستند که به یک دریا متصل می‌شوند و شنا کردن در آن دریا، همان طریقی است که انسان در آن گام برمی‌دارد؛ بنابراین همه راه هایی که انسان می‌تواند در آنها گام بردارد، به یک راه منتهی می‌شوند و آن راه روشن و مستقیم، همان راهی است که راه عقل خوانده می‌شود. وقتی گفته می‌شود راه عقل مستقیم است و کجی در آن وجود ندارد، منظور این است که راه عقل نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به مقصد نیز شناخته می‌شود، زیرا خط راست و مستقیم کوتاه‌ترین فاصله‌ای است که می‌توان در میان دو نقطه به تصور درآورد. عقل راه است ولی تفاوت آن با راه‌های دیگر در این است که می‌تواند از جهان طبیعت و عالم عنصری تا عالم ماورای طبیعت و متافیزیک امتداد یابد.

در میان الفاظ و کلماتی که رایج و شایع بوده و بسیاری از مردم در هنگام سخن گفتن از آنها استفاده می‌کنند، سه کلمه بیش از کلمات دیگر مطرح می‌شوند، آن سه کلمه به ترتیب عبارتند از: ۱ـ خدای تبارک و تعالی، ۲ـ وجود، ۳ـ روح. چگونه ممکن است انسان به معنی هر یک از این سه کلمه آگاهی داشته باشد، ولی با آنچه تحت عنوان «متافیزیک» مطرح می‌گردد، بیگانه باشد و آن را نادیده انگارد؟ خداوند تبارک و تعالی همه جا حضور دارد، ولی با چشم ظاهری دیده نمی‌شود و محسوس نیست.

وجود نیز همه چیز است، ولی جز در چهره یک موجود معین به ظهور و بروز نمی‌رسد و بالاخره روح نیز در همه سلول های یک بدن فعالیت دارد، ولی کسی نمی‌تواند در اعضا و جوارح یک بدن به مشاهده آن بپردازد. چگونه می‌توان از موجود سخن گفت، ولی از آنچه وجود خوانده می‌شود، صرف نظر کرد؟

هر موجودی در پرتو نور وجود موجود شده است، ولی وجود به هیچ موجودی وابسته نیست و چون وجود است، موجود شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: وجود به خود موجود است و هرگونه موجود دیگری به وجود موجود می‌گردد. در وابستگی موجود به وجود است که فقر و نیازمندی معنی پیدا می‌کند و در بی نیازی وجود از هرگونه موجود است که بی نیازی ظاهر می‌شود.

هرچه در این باب گفته شود، این مسئله مسلم است که منطق خیال غیر از منطق عقل است و انسان به حکم اینکه هم از عقل و هم از خیال برخوردار است، می‌تواند براساس هر یک از این دو منطق سخن بگوید. عالم خیال بسیار گسترده است، ولی آنچه در خیال می‌گنجد، به حکم اینکه دارای شکل و صورت است، محدود خواهد بود، ولی آنچه معقول است، به حکم اینکه شکل خاص و معینی ندارد، از محدوده خیال فرامی‌رود، اگرچه عقل نیز نامحدود نیست.

عقل به تحقق هستی اعتراف می‌کند، ولی به حکم اینکه خود عقل از شئون هستی شناخته می‌شود، نمی‌تواند هستی را در خود بیاورد و بر آن احاطه و اشراف پیدا کند. انسان در عین اینکه به محدود بودن ادراک خود آگاهی دارد، به نامحدود نیز می‌اندیشد و از بی پایان بودن هستی سخن می‌گوید. سخن گفتن از هستی و اندیشیدن به وجود کار فلسفه است و هر علمی از علوم جز با آنچه موجود شناخته می‌شود، سروکار ندارد.

اکنون اگر بپذیریم که هر موجودی به وجود نیازمند است و موجود بدون وجود معنی معقول و محصلی ندارد، می‌توانیم بگوییم که علوم نیز از زیر سیطره فلسفه بیرون نیستند و با حکم فلسفه جایگاه خود را پیدا می‌کنند. هستی در همه جا هست و در هیچ جایی محدود نمی‌شود. انسان به آثار هستی می‌نگرد و به واسطه هستی خود سخن می‌گوید. یکی از اهل معرفت گفته است: «لاتنظر العین الا الیه ولایقع الحکم الا علیه»؛ یعنی چشم جز به او نمی‌نگرد و حکم جز بر او واقع نمی‌شود، چیزی از هستی بیرون نیست و آنچه هست، از آثار هستی شناخته می‌شود.

نصیرالدین دهلوی در شعر زیبای خود به همین مسئله اشاره کرده است، آنجا که به زیبایی می‌گوید:

ای زاهد ظاهربین! از قرب چه می‌پرسی
او در من و من در او، چون بو به گلاب اندر
در سینه ناصر دین جز عشق نمی‌گنجد
این طرفه تماشا بین، دریا به حباب اندر

دریا در حباب نیست، ولی حباب از دریا جدا نمی‌شود. وجود در یک موجود خلاصه و محدود نمی‌گردد، ولی موجود به هیچ‌وجه از وجود منفک و جدا نخواهد شد.

انسان همیشه در لحظه زندگی می‌کند، ولی لحظه بدون گذشته و آینده معنی معقول و محصلی ندارد. گذشته اکنون نیست، آینده نیز هنوز نیامده است، ولی لحظه از آنها جدا نیست و معنی لحظه بودن خود را در پرتو معنی گذشته و آینده به دست می‌آورد. انسان همیشه در لحظه زندگی می‌کند ولی او هم به گذشته می‌اندیشد و هم به آینده امیدوار است. کسی که به آینده امید ندارد، نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد و اگر گذشته نداشته باشد، نمی‌تواند از شخصیت خود سخن بگوید.

همان گونه که یادآور شدیم، گذشته اکنون نیست، آینده نیز هنوز نیامده است ولی انسان که همواره در لحظه زندگی می‌کند، به گذشته و آینده‌ای که اکنون حضور ندارند، وابستگی دارد و به آنها می‌اندیشد. وقتی از لحظه و رابطه آن با گذشته و آینده سخنی گفته می‌شود، منظور این است که همه امور این جهان در نوعی رابطه معنی پیدا می‌کنند و هیچ موجودی در عالم امکان بدون هرگونه رابطه تحقق نمی‌پذیرد. موجودات در پرتو روابط معنی پیدا می‌کنند و موجودی که از هر جهت مستقل باشد، در عالم پیدا نمی‌شود. موجودی که از هر جهت مستقل باشد، جز ذات پاک حق ـ تبارک و تعالی ـ چیز دیگری نیست.

جهان هستی رشته‌ای از ارتباط ها شناخته می‌شود و اگر از این رشته بزرگ ارتباط ها صرف نظر گردد، از جهان سخن به میان نمی‌آید. زندگی اجتماعی براساس ارتباط صورت می‌پذیرد و آنجا که ارتباط نباشد، جامعه به وجود نمی‌آید. البته روابطی که یک جامعه براساس آن استوار می‌گردد، بیش از هر چیز دیگر جنبه قراردادی دارد، ولی روابطی که در میان موجودات جهان هستی وجود دارد و آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد، تکوینی بوده و از قراردادهای انسانی ناشی نمی‌شوند. چگونه می‌توان از نقش عظیم ارتباط در جهان هستی و در زندگی انسان غافل بود، در حالی که زبان و سخن گفتن بر نوعی از ارتباط استوار است؟ سخن گفتن انسان براساس رابطه میان مبتدا و خبر یا موضوع و محمول و یا فعل و فاعل و مفعول شکل پیدا می‌کند و در ارتباط کلمات مفرد با یکدیگر جمله ها ساخته می‌شوند.

انتقال معانی از طریق ارتباط کلمات با یکدیگر و تبدیل شدن تصورات به تصدیق ها تحقق می‌پذیرند. اگر ارتباط میان کلمات و تصورات با یکدیگر به درستی صورت نپذیرد، سخن ها آشفته می‌شوند و آنجا که سخن آشفته می‌شود، زندگی نیز آشفتگی پیدا می‌کند و در نتیجه جهان نیز آشفته دیده می‌شود. در آشفته بودن سخن ها، دروغگو از راستی سخن می‌گوید و راستی، دروغ پنداشته می‌شود. آنجا که دروغ به جای راستی می‌نشیند، گفتن برای نگفتن است و نگفتن نیز از معنی سکوت برخوردار نیست. در دروغ گفتن که منشأ مفاسد اجتماعی شناخته می‌شود، ارتباط کلمات با یکدیگر از میان برداشته نمی‌شود بلکه ارتباط کلمات با معانی مقصود اختلال پیدا می‌کند.

ادامه دارد

عقل میزانی است که میزان بودن میزان های دیگر را معین می‌کند و به سنجیدن درست آنها اعتبار می‌بخشد؛ بنابراین عقل میزان همه میزان های جهان است و اگر هر چیزی با میزان مخصوص به خود سنجیده می‌شود، همه میزان های جهان با میزان عقل سنجیده می‌شوند. اگر عقل که میزان همهٔ میزان ها شناخته می‌شود، وجود نداشته باشد، هیچ میزان دیگری نیز میزان نخواهد بود

مقاله

زنان در نهضت حسینی

دکتر مرضیه محمدزاده ۹
نویسنده و تاریخ پژوه

ابن اثیر مطلبی نقل می‌کند که از قدرت زینب(س) در سخن و نیرومندی‌اش در استدلال خبر می‌دهد. او می‌نویسد: «زینب(س) دختر علی بن ابی طالب بانویی عاقل، خردمند و دارای کلامی فصیح بود. سخن زینب(س) در برابر یزید، هنگام درخواست مرد شامی، بر خردمندی و نیرومندی روح او دلالت می‌کند.»

اینکه زینب(س) کاروان را با صحّت و سلامت به مدینه بازگرداند، کاری کوچک نیست.

۲۵. عفاف و حیا

در هنگام ورود اسرا به شام، کاروان از باب «توما» وارد شد. آنان را در جلوی باب‌المسجد، محلی که معمولاً اسیران را در آن جای می‌دادند، قرار دادند. مردم شام به نظاره اسیران آمدند.

سکینه(س) از سهل بن سعد ساعدی، صحابی رسول‌الله(ص)، که از آنان پرسید: ای اهل بیت رسالت! من چه کاری می‌توانم برای شما انجام دهم؟ درخواست کرد تا از حامل سر مبارک پدر و دیگر حاملان سرهای شهدا بخواهد جلوتر از زنان حرکت کنند تا مردم نظاره‌گر به آنان نباشند و این نشانگر عفت و حیای اوست. سهل با دادن پول به حاملانِ سر از آنها خواست تا جلوتر از کاروان حرکت کنند.

۲۶. ادب

زینب(س) در کربلا مادر همه جوانان، تیمارگر تمامی مجروحان و غمخوار همه کشتگان است. وقتی علی اکبر از اسب به زمین می‌افتد و بر روی خاک می‌غلتد، این زینب(س) است که از خیمه بیرون آمد و در حالی که می‌دوید، با صدای اندوهناکی می‌گفت: پسر برادرم! عزیزم! تا بر کشته برادرزاده‌اش رسید و خود را بر روی بدن پاره‌پارهٔ علی اکبر افکند و بی تاب شد. امام حسین(ع)، دست خواهرش را گرفت و او را به خیمه بازگرداند. اما زمانی که جوان خودش بر خاک افتاد، بر بالین فرزندش حضور نیافت، زیرا او را به پیشگاه برادرش هدیه کرده بود و می‌داند که شرط هدیه دادن به رخ کشیدن نیست. او این کار را شرط ادب نمی‌دانست که دل برادرش با حضور یافتن او بر نعش پسرش بسوزد و اندوهش برانگیزد.

ادب با کلاس درس زینب(س) فاصله ها دارد. او عالی‌ترین مربی ادب و فرهنگ ادب است و ادب واژه‌هایش را از او وام گرفته است.

ام‌البنین خود مادر ادب است و ادب زادهٔ اوست. خورشید ادب او از چنان نورانیتی برخوردار است که همه صفات زیبا و درخشان او را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. هنگامی که کاروان اهل بیت امام حسین(ع) به مدینه نزدیک می‌شود، بشیر بن جذلم به فرمان امام سجاد(ع)، پیشتر از کاروان، خود را به شهر می‌رساند تا خبر ورود کاروان را اعلام کند، ام‌البنین به سمت دروازهٔ شهر به راه می‌افتد و در میانهٔ راه با بشیر مواجه می‌شود. بشیر از اینکه خبر شهادت چهار دلاور را به مادری بدهد، پرهیز می‌کند، اما در جواب ام‌البنین که پرسید چه خبر؟ آرام‌آرام از شهادت فرزندانش به او خبر داد. اما این بانوی باادب به بشیر می‌گوید از حسین برایم بگو. از او چه خبر؟ چون خبر شهادت امام حسین(ع) را با لب تشنه شنید، چنان بر سر کوفت و فریاد واحسینا سر داد که از حال رفت و گفت: «قَطَعتَ نِیاطَ قَلبی»؛ بندهای دلم پاره گردید.

جایی که حسین(ع) مطرح است، ام‌البنین فرزندانش را نمی‌بیند و چون شنید که چهار فرزندش همراه امام کشته شده‌اند، گفت: «اِنَّ اَولادی وَ مَن تَحتَ الخَضراءِ کُلَّهُم فِداءُ لابی عَبدِاللهِ الحُسَین»؛ ای کاش فرزندانم و تمامی آنچه در زمین است، فدای حسین می‌شد و او زنده می‌ماند. این سخن او را دلیل ادب و اخلاص کامل او به اهل بیت و امام حسین(ع) دانسته‌اند.

وقتی از هرم مصیبت امام حسین(ع) قدری کاسته شد، ام‌البنین آرام‌آرام به یاد فرزندان خود افتاد. از آن پس، هر روز با نوه‌اش عبیدالله فرزند حضرت عباس(ع) به قبرستان بقیع می‌رفت و در گوشه‌ای می‌نشست و در آنجا اشعاری که خود سروده بود، می‌خواند و دردمندانه می‌نالید و می‌گریست. مردمان بر گرد او می‌آمدند و با او در گریستن همنوا می‌شدند. حتی گفته‌اند مردان قسی‌القلبی چون مروان بن حکم نیز می‌آمدند و از مرثیه‌های جانگداز او می‌گریستند.

۲۷. پشتیبانی از قصاص قاتلان شهدای نهضت

بعد از شهادت امام حسین(ع) و در هنگام قیام مختار ثقفی، از دو زن نام برده می‌شود که به خاندان رسالت عشق می‌ورزیدند:

اول دومه، مادر مختار بن ابی‌عبید ثقفی زنی شجاع و مبارز بود. او در کوفه می‌زیست و فرزند خود را به مبارزه علیه قاتلان امام حسین(ع) و انتقام از دشمنان خاندان عصمت و طهارت(ع) تشویق می‌کرد. وی زنی جلیل‌القدر و سیاستمداری شجاع و توانا و صاحب رأی متین و عقلی وزین بود. هنگامی که فرزندش از مصعب بن زبیر شکست خورد و در قصر کوفه در محاصره بود، او نیز نزد فرزندش در مقرّ فرماندهی سپاه به سر می‌برد و به همراه فرزندش به شهادت رسید.

دوم عمره، دختر نعمان بن بشیر، همسر مختار ثقفی، از دوستداران اهل بیت رسالت علیهم‌السّلام بود. در هنگام تسلّط مصعب بن زبیر بر حرم مختار، مصعب از عمره خواست تا از مختار بیزاری بجوید. عمره حاضر نشد و به دست مصعب به شهادت رسید. به دستور مصعب، سر از تنش جدا ساختند. او اولین زنی بود که دست بسته کشته شد.

نتیجه

در نهضت جاودان کربلا از چهل زن نام برده شده که هر یک نقش خاص خود را به بهترین نحو ایفا کرده‌اند. این زنان مکتب‌شناس و زمان‌شناس بودند و در بحران، اسیران کاروان عاشورایی را مدیریت نمودند. آنان امر به معروف و نهی از منکر و نقد حاکمان حکومت را امری جدّی گرفته و در میدان جنگ حضور داشتند یا به فعالیت های پشت جبهه مشغول بودند.

تنی چند از آنان که شوهرانشان در قتل شهدای دشت کربلا دست داشتند، به اعتراض نسبت به آنان پرداختند. زنی در این نهضت و در اوج خفقان حکومت امویان در کوفه، به مسلم بن عقیل پناهندگی سیاسی داد و یکی دیگر از آنان برای دفاع از این خاندان به زندان افتاد. این زنان با رضایت محض در برابر حضرت حق تسلیم بودند.

از میان آنان گزارشگران توانایی اخبار نهضت را به گوش تاریخ رساندند. دو تن از آنان را به عنوان حامی وصیت امام حسین(ع) نام برده اند. زنان توانمندی از بنی اسد به تحریک شوهرانشان برای دفن پیکر پاک و پاره‌پارهٔ شهدا اقدام نمودند.

جهاد زنان عاشورایی اگرچه با شمشیر میسّر نشد، اما آنان با سخن و گفتن کلام حق نزد سلطان جائر بالاترین جهاد را انجام دادند و با روشنگری خود حاکمان ظالم را رسوا نمودند و پیام نهضت عاشورا را به گوش تاریخ رساندند و با برپایی عزاداری و مراسم سوگواری و مرثیه سرایی یاد و نام شهدای این نهضت جاودان را زنده نگاه داشتند.

در این نهضت زنان نقش منفی بر عهده نداشتند. هیچ زنی در جناح دشمن علیه کربلائیان نقش ایفا نکرد. در تاریخ عاشورا سراغ نداریم که حتی یک زن سنگی یا تیری به سوی امام یا خاندان و اصحابش پرتاب کرده باشد، به همین جهت از میان دشمنان امام حسین(ع) در قیام مختار ثقفی هیچ زنی کشته نشده است. حتی در هنگام اخراج عبیدالله بن زیاد از کوفه و به امارت نرسیدن عمر بن سعد، باز زنان کوفه نقش اساسی را ایفا کردند و جلوی دارالاماره ایستادند و اجازهٔ ورود عمر بن سعد را ندادند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه
شرکت شیشه‌های ایمنی ایران سهامی خاص
ثبت شده به شماره ۱۳۳۶۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۰۸۷۵۹

بدینوسیله از تمامی صاحبان سهام شرکت دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که راس ساعت ۱۰ روز جمعه ۱۴۰۴/۵/۱۷ در محل تهران ـ خیابان شریعتی حسینیه ارشاد ساختمان ارکیده ـ پلاک ۴۹ ـ طبقه ۵ واحد ۱۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه عبارت است از:
۱ـ استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
۲ـ تصویب صورت سود و زیان و صورت وضعیت مالی برای سال منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
۳ـ انتخاب بازرس اصلی و علی البدل
۴ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار
۵ـ کلیه مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه باشد.

ضمناً به اطلاع تمامی سهامداران یا نمایندگان قانونی آنان می‌رساند که جهت شرکت در مجمع بایستی اصل کارت ملی و کپی برابر اصل آن و همچنین اصل وکالت نامه رسمی و کپی برابر اصل آن را جهت ارائه به اداره ثبت شرکت ها به همراه داشته باشند.

هیئت مدیره

آگهی مناقصه عمومی
شرکت شیر پاستوریزه پگاه کرمان (سهامی خاص) به عنوان مناقصه گزار در نظر دارد نسبت به خرید یک دستگاه دیزل ژنراتور با توان ۰/۸ تا ۱ مگاوات از برندهای معتبر اروپایی (موتور و آلترناتور) از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا متقاضیان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت برگ شرایط مناقصه از تاریخ چاپ آگهی به مدت ۱۰ روز با شماره تلفن ۰۹۱۳۲۹۹۶۵۹۹ عسکری پور تماس یا به نشانی: کرمان ـ کیلومتر اول بزرگراه هفت باغ علوی ـ شرکت شیر پاستوریزه پگاه کرمان ـ واحد بازرگانی مراجعه نمایند.

شرکت شیر پاستوریزه پگاه کرمان
مدیریت بازرگانی

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده صاحبان سهام شرکت گیل راد شمال (سهامی خاص) به شماره ثبت ۵۰۹۴۱۴ و شناسه ملی ۱۰۷۲۰۲۶۳۵۱۰

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام گیل راد شمال (سهامی خاص) دعوت میشود که در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که راس ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۲ در محل قانونی شرکت و کدپستی: ۱۵۶۵۸۳۹۳۳۱ تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.
دستور جلسه: (۱) انتخاب حسابرس و بازرسان اصلی و علی البدل شرکت تا پایان سال مالی ۱۴۰۳ (۲) انتخاب روزنامه کثیرالانتشار شرکت.

هیات مدیره شرکت گیل راد شمال

آگهی دعوت
بدینوسیله از کلیه سهامداران **شرکت منحله ماندپی (سهامی خاص)** شماره ثبت: ۱۰۲۸۵۴ شناسه ملی: ۱۰۱۰۱۴۶۷۹۳۰ دعوت بعمل می‌آید که در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۴/۵/۱۹ واقع درمحل دفتر مرکزی شرکت تشکیل می گردد، حضور بهم رسانید. **دستور جلسه:** انتخاب بازرسین و تصویب ترازنامه سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰ و هر گونه تصمیماتی که در صلاحیت مجمع باشد.

مدیر تصفیه شرکت

آگهی مناقصه ۱۴۰۴/۷۷ شماره درخواست ۵۳۰۳۳۷۲۲
کشت و صنعت کارون (شرکت سهامی خاص)
شرکت کشت و صنعت کارون درنظردارد مقدار ۵۰۰/۰۰۰ کیلوگرم ذرت خارجی مورد نیاز (واحد ماهی کارون) خود را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. متقاضیان جهت دریافت اسناد مناقصه و اطلاعات بیشتر می‌توانند از تاریخ درج آگهی، به جز ایام تعطیل به مرکز شرکت مراجعه و پاکت پیشنهاد قیمت خود را حداکثر تا پایان ساعت ۱۳ روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۵/۱۵ تحویل نمایند، کلیه پیشنهادها رأس ساعت ۱۴ همان روز در مرکز شرکت بازگشایی و قرائت خواهند شد. هزینه درج آگهی مناقصه به عهده برنده مناقصه می‌باشد. شرکت در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.
آدرس مرکز شرکت: شوشتر، کیلومتر ۱۷ جاده قدیم دزفول ـ شرکت کشت و صنعت کارون، حوزه مدیریت بازرگانی (اداره خرید) صندوق پستی ۱۵۹ ـ داخلی (۲۳۳۵) ۲ـ۰۶۱۳۶۲۲۲۰۷۱

شرکت کشت و صنعت کارون

آگهی مناقصه شماره درخواست ۵۴۰۳۱۰۱۶
کشت و صنعت کارون (شرکت سهامی خاص)
شرکت کشت و صنعت کارون در نظر دارد تعداد ده عدد اسپراکت تک ردیفه ۱۵ دنده به قطر ۸۱ میلیمتر مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. متقاضیان جهت دریافت اسناد مناقصه و اطلاعات بیشتر می‌توانند از تاریخ درج آگهی، به جز ایام تعطیل به مرکز شرکت مراجعه (نیاز به توانسنجی در مرکز شرکت دارد) و پاکت پیشنهاد قیمت خود را حداکثر تا پایان ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ تحویل نمایند، کلیه پیشنهادها رأس ساعت ۱۵ همان روز در مرکز شرکت بازگشایی و قرائت خواهند شد. هزینه درج آگهی مناقصه به عهده برنده مناقصه می‌باشد. شرکت در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.
آدرس مرکز شرکت: شوشتر، کیلومتر ۱۷ جاده قدیم دزفول - شرکت کشت و صنعت کارون، حوزه مدیریت بازرگانی (اداره خرید) صندوق پستی ۱۵۹ - داخلی (۲۵۸۳) ۲-۰۶۱۳۶۲۲۲۰۷۱

شرکت کشت و صنعت کارون

آگهی مناقصه شماره درخواست ۵۴۰۴۰۱۴۲
کشت و صنعت کارون (شرکت سهامی خاص)
شرکت کشت و صنعت کارون درنظردارد گیت ولو فلنجدار ۶ اینچ ۱۵۰ میلی پی ان ۱۰۰ مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. متقاضیان جهت دریافت اسناد مناقصه و اطلاعات بیشتر می‌توانند از تاریخ درج آگهی، به جز ایام تعطیل به مرکز شرکت مراجعه و پاکت پیشنهاد قیمت خود را حداکثر تا پایان ساعت ۱۴ روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ تحویل نمایند، کلیه پیشنهادها رأس ساعت ۱۵ همان روز در مرکز شرکت بازگشایی و قرائت خواهند شد. هزینه درج آگهی مناقصه به عهده برنده مناقصه می‌باشد. شرکت در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.
آدرس مرکز شرکت: شوشتر، کیلومتر ۱۷ جاده قدیم دزفول ـ شرکت کشت و صنعت کارون، حوزه مدیریت بازرگانی (اداره خرید) صندوق پستی ۱۵۹ ـ داخلی (۲۵۸۳) ۲ـ۰۶۱۳۶۲۲۲۰۷۱

شرکت کشت و صنعت کارون